

عنوان مقاله:

مناسبات و کارکردهای قدرت در رمان «اجنحه الفراشه» از محمد سلماوی (بر اساس الگوی کنشی گرماس و نظریه گفتمان میشل فوکو)

محل انتشار:

پژوهشنامه نقد ادب عربی، دوره 7، شماره 1 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 40

نویسندگان:

خیریه عچرش - دانشگاه شهید چمران اهواز

حسن دادخواه طهرانی - دانشگاه شهید چمران اهواز

صادق سیاحی - دانشگاه شهید چمران اهواز

علی عدالتی نسب - آموزش و پرورش

خلاصه مقاله:

تحلیل گفتمان، گرایش بین رشته ای در مجموعه دانشهای علوم انسانی و علوم اجتماعی است که از اواسط دهه ۱۹۶۰م تا ۱۹۷۰م، ظهور کرده است. این اصطلاح را نخستین بار زلیگ هریس به کار گرفته و بر انواع مختلفی از روایی، قدرت و انتقادی اطلاق می شود. در تحلیل گفتمان تولید یا تقویت یک ایدئولوژی خاص، بررسی سطوح بالاتر جمله، نگاه علمی و کاربردی به متون، قدرت و غیر آن مورد نظر است. این پژوهش بر مبنای تحلیل گفتمان روایی بر اساس الگوی کنشی و مربع معناشناختی گرماس و نظریه تحلیل گفتمان قدرت میشل فوکو تدوین شده است. بر این اساس ابتدا با توجه به الگوی کنشی گرماس، ساختار داستان و ارتباط بین ساختار و متن بررسی و تبیین شد و سیر تحول در فرآیند داستان بر این اساس تبیین و مربع معناشناختی آن تدوین شد و سپس با توجه به نظریه گفتمانی فوکو موضوع قدرت و بررسی ارتباطات ساختاری و کلامی آن در متن تبیین شد. نتایج حاکی از آن است که نویسنده بر مبنای ساختار و پیرنگی دقیق سیر تحول در داستان را به اشکال متنوعی بیان کرده و سیر فعالیت کنشگران با توجه به اهداف پیش روی آنها مشخص شده است. در سیر فعالیت کنشگران و مسیر تحول آنها از یک سو و مربع معنایی رمان از سوی دیگر قدرت نقشی اساسی دارد. در این رمان همچنین نویسنده به مناسبات قدرت، قدرت و مردم و ارتباطات بین آنها، نقش قدرت بر مردم و کنترل آنها پرداخته و با متنی انتقادی بر علیه قدرت حاکم بر مصر به پا خاسته و با محکوم کردن نگاهی قدرتمندانه به مردم عادی و مشکلاتشان از آنها دفاع کرده است.

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1749770>

